

ترجمہ و متن

قانون التاویل^ع

ابو حامد محمد غزالی

ترجمہ: سید ناصر طباطبائی



انتشارات مولی

سرشناسه : فرانی، یحسین محمد، ۲۵۰ - ۱۳۰۵ هـ.
 عنوان قرارداد : قانون التاویل فارسی - عربی
 صول و نام پدیدآور : ترجمه و متن قانون التاویل / محمد غزالی؛ ترجمه ناصر طباطبایی
 مشخصات نشر : تهران: مولی، ۱۳۳۱ ق - ۱۳۸۹.
 مشخصات طبعی : ۴۲ ص.
 شابک : 978-964-2671-49-6
 وضعیت فهرست نویسی : آری
 یادداشت : فارسی - عربی
 یادداشت : نامیه
 موضوع : قرآن -- دعاها و ردهها
 موضوع : تائیل
 شناسه افزوده : طباطبایی، ناصر، ۱۳۲۳ - - مترجم
 رده بندی کنگره : BP ۹۱/۲ ق ۴ ت ۴۰۶ ۱۳۸۹
 رده بندی دیوبند : ۲۹۷/۷۷
 شماره کتباتی ملی : ۸۹۳۵۹۰۲



انشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳ - نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

قانون التاویل (ترجمه + متن) • امام ابو حامد محمد غزالی

ترجمه: سید ناصر طباطبایی

چاپ اول: ۱۳۸۹ = ۱۴۳۱ • ۱۶۰۰ نسخه • ۱۸۶/۱
۸۹

شابک: ۶-۴۹-۲۶۷۱-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-2671-49-6

حروفچینی: کوشش • لیتوگرافی: موج • چاپخانه: ایران مصور • صحافی: سبزواری، ۵۵۳۸۸۱۸۳
کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است

۲۵۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم

۷

ترجمه قانون التأویل

(۲۸ - ۱۱)

قانون التأویل - المتن -

(۴۲ - ۲۹)

فهارس

(۴۷ - ۴۳)

فهرست آیات

۴۵

فهرست اعلام و اصطلاحات

۴۷

مقدمه‌ی مترجم:

بسم الله الرحمن الرحيم

تاویل از دیدگاه غزالی

تاویل، از کلمات کلیدی قرآن و همچنین از اصطلاحات علوم قرآنی است که در حوزه علوم حدیث، حکمت، عرفان و علوم بلاغی و ادبی هم کاربرد دارد. تاویل لغتاً از ریشه‌ی «اول» به معنای بازگشت است و اصطلاحاً در مترادف و تا حدودی در تقابل با «تفسیر» معنا می‌شود. هم‌چنین با «تنزیل» نیز به نوعی ربط و تقابل دارد. در قرآن مجید این کلمه، به همین صورت اسمی و مصدری، هفده بار به کار رفته است که هفت بار آن به تعبیر خواب (تاویل الاحادیث) در داستان حضرت یوسف (ع) مربوط می‌شود.

واضح‌ترین و مهم‌ترین مورد کاربرد واژه‌ی تاویل، آیه‌ی هفتم سوره‌ی آل عمران است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ = اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد. بعضی از آیه‌ها محکمانند، این آیه‌ها ام‌الکتابند و بعضی آیه‌ها متشابهاتند. اما آن‌ها که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه‌جویی و میل به تاویل از متشابهات پیروی می‌کنند، در حالی که تاویل آن را جز خدای نمی‌دانند. و آنان که قدم در دانش استوار کرده‌اند می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست. و جز خردمندان پند نمی‌گیرند.» (ترجمه از دکتر عبدالمحمد آیتی). نکته‌ی مهم در قرائت این آیه که در نگرش به قرآن و فهم و تفسیر آن و نیز شناخت مفهوم تاویل تأثیر اساسی دارد این

است که بسیاری از اهل سنت، پس از «الله» وقف می‌کنند که معنای آیه چنین می‌شود که تأویل آیات متشابه را فقط خداوند می‌داند و بس و راسخان در علم می‌گویند ایمان آوردیم همه‌اش از نزد پروردگار ماست. اما بعضی از اهل سنت و بسیاری از علمای شیعه (از جمله ابوعلی طبرسی و ابوالفتوح رازی با اذعان به بی‌وجه نبودن قرائت اهل سنت) برآنند که «و الراسخون فی العلم» جمله‌ی مستقل و استینافیه نیست، بلکه عطف بر «الله» است، که نهایتاً معنای آیه چنین می‌شود که هم خداوند معنای آیات متشابه را می‌داند و هم راسخان در علم (که در رأس آن‌ها رسول اکرم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام هستند) و اینان در عین آن‌که علم و اطلاع دارند از روی اخلاص و ادب سر تسلیم فرود می‌آورند و برعکس فتنه‌جویانی که از متشابهات دستاویز درست می‌کنند آن را همانند محکمت کلام الاهی و واجب‌الاحترام می‌شمارند و در آن چون و چرا و جدل نمی‌کنند. در اینجا است که تأویل با مساله‌ی متشابهات در قرآن مجید پیوند می‌یابد.

غزالی به موضوع تأویل توجه شایانی داشته است و چنان‌که به نظر می‌رسد وی مبانی و قواعد روشن‌گرانه خویش را در این‌باره در کتاب «فیصل التفرقه بین الاسلام و الزندقه» و رساله‌ی «قانون التأویل» بنیان نهاده است و در دیگر آثار خود به بسط آن پرداخته است.

غزالی در کتاب «فیصل التفرقه...» مبانی و قواعد تأویل را از دیدگاه فرقه‌های گوناگون اسلامی مورد اشاره قرار می‌دهد و از مراتب پنجگانه‌ی یاد می‌کند که با توجه به غفلت از آن‌هاست که هر فرقه‌ای، فرقه‌ی دیگر را مورد تکفیر و انکار قرار داده است. در میان شیعیان، علامه طباطبایی در عین آن‌که معتقد است آن‌چه این آیه دلالت دارد این است که علم به تأویل منحصر در خدا و مختص اوست؛ «ولی بر آن است که اگر هم آیه دلالت نداشته باشد که راسخین در علم نیز عالم به تأویل باشند، دلالت نداشتن بر علم آنان، غیر از دلالت داشتن بر عدم علم آنان است.» این انحصار منافات ندارد با این‌که دلیل دیگری جدای از آیه‌ی مورد بحث، دلالت کند بر این‌که خدای تعالی این علم را که مختص به خودش است به بعضی از افراد داده، هم چنان‌که در نظایر این علم هم آیاتی داریم که دلالت دارد بر این‌که مختص به خداست و در عین حال آیاتی داریم که می‌گوید خدا این علم را به غیر نیز داده است، مانند علم به غیب و... که چندین آیه آن را مختص به خداوند می‌داند. (ترجمه‌ی تفسیر المیزان، ذیل تفسیر آیه‌ی ۷ سوره‌ی آل عمران).

خلاصه آن‌که در پایان می‌توان اذعان داشت که موضوع تفسیر و تأویل در میان اندیشمندان مفسر موج‌های مهیبی را با خود به همراه داشته، تا جایی که موجب تکفیر نیز شده است و در این میان مفسرانی که خود را در چارچوب روایات بررسی آیات محدود کرده‌اند، نقدها و تکفیرهای تندتری در حق دیگران در آثار خود بر جای گذاشته‌اند.^۱

سید ناصر طباطبایی

اسلام‌شهر، آبان ۱۳۸۸ خورشیدی

۱. مترجم در نگارش مقدمه‌ی بالا به دو اثر زیر نظر داشته است:

۱ - دایرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران، شهید محبی، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ج ۴.

۲ - التأویل عند الغزالی، عبدالجلیل بن عبدالکریم سالم، قاهره، مکتبة الثقافة الدینیة، طبعة الاولى، ۲۰۰۴م.